**بسم الله الرحمن الرحیم**

**شب نهم**

**حجة الاسلام پناهیان**

**گستردگی موضوع مورد بحث**

موضوعی که در این شب‌ها مورد بحث است یکی از مسئله‌های مهم در نوع نگرش و سبک زندگی ماست. باید جوانان برومندی که دستی در فرهنگ و فکر دارند برای اصلاح خوف مردم یک فکری بکنند. در بسیاری از اوقات نباید مستقیم بدی‌ها و یا خوبی‌ها رفت پایه‌های آن‌ها اگر درست نباشد نمی‌شود از رذایل اخلاقی جدا شد و به فضایل اخلاقی گرایید. زیرساخت‌های جامعه کمک می‌کنند تا دین در آن جامعه محقق شود. بحث از امتحان و ترس در این مجالس ما یک اتاق فکر و اتاق کار است و یک قرار ستادی است. بباید روی این موضوع در گستره‌ی جامعه کار کرد و آن را گسترش دهیم و فواید آن به خودمان هم می‌رسد همان‌گونه که می‌فرماید:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُون (200، آل عمران)

اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، شكيبا باشيد و ديگران را به شكيبايى فراخوانيد و در جنگ‌ها پايدارى كنيد و از خدا بترسيد، باشد كه رستگار شويد.

بیان می‌کند که هم خودت صبر کن و هم باهم صبر کنید چرا که بین آن‌ها تفاوت است. جامعه هم خودش وجودی دارد و یک حقیقت مستقلی برای خودش دارد. که از تک‌تک افراد بیشتر است. نیاز به جریان سازی و ایجاد موج مثبتی برای جامعه است. اگر داستان‌ها و سریال های ما مبتنی بر امتحان باشد، در تفکر ما درباره‌ی زندگی متحول می‌شود در زندگی باید به دنبال گمشده‌ی خود یعنی امتحان را بباشیم و گمشده‌ی دیگر ترس است که زندگی بدون ترس را برای خود قابل تصور نمی‌دانیم. اگر خوب و منصفانه فکر کنیم به این می‌رسیم که با ترس برای تک‌تک افکارمان انگیزه سازی می‌کنیم. از این که ضایع بشوید نترسید و از زشت بودن خودتان را نیارایید و از ترس خراب شدن پیش مهمان از او خوب پذیرایی نکنید و از این جمله کارها را از ترس انجام ندهید.

امتحان در ترس این است که نترسیم. اگر نترسیم استعدادهای ما شکوفا می‌شود. برای اینکه زیبایی خوب است و به دیگران احترام بگذاریم و برای احترام گذاشتن به چشم دیگران خوش‌چهره ظاهر شویم. با این دلیل که مهمان حبیب خداست او را گرامی بداریم.

فیلمی که همه از آن خوششان آید به این دلیل است که عین خودمان است. این فاجعه است. چون فیلم آینه‌ی دق است و بدی‌ها را نشان می‌دهد. اگر یک کاراکتر غیرطبیعی هم بتوانید نشان دهید که ما شبیه آن شویم. خوب است. البته نباید شعاری باشد.

برنامه‌ریزی عمده داشته باشیم که اگر اصلاح شود حرص و طمع و خیلی از این‌گونه رفتارها از بین می‌رود.

**ترس دینی و غیردینی**

ترس یک از زیرساخت‌های جامعه است. حتی اگر شده با ادبیات غیردینی شده باید روی آن‌ها کار شود. چون بدون ادبیات غیر دین می‌فهمیم که آن زشت است. حجاب و بی‌حجابی به کمک ادبیات دینی می‌شود فهمید که کدام خوب است و کدام بد. ولی در ترس نیازی به دین نیست که بفهمیم که ترس خوب است یا بد است. حیا هم همین گونه است.

»إِذَا لَمْ تَسْتَحْيِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ» اگر حیا نداشتی هر کاری خواستی انجام بده.

بدون دین و فراتر از دین و بیرون دین باید روی حیا کار کنیم. ما به دنبال فیلم‌های که اسلامی باشد نیستیم بلکه می‌خواهیم به گونه‌ای نباشد که ترس و بی‌حیایی را تئوریزه کند.

حجاب باید زیرساخت‌ها آن اصلاح شود نه قوانین مربوط به خود حجاب بلکه قوانین مربوط به خانواده و جامعه و ... باید پرداخته شود. اما در حیا اگر به حیا پرداخته نشود دین که هیچ امنیت را هم نمی‌شود فراهم کرد.

ترس هم از جمله مقوله‌های مانند حیا است. اگر شجاع باشند خودشان آدم می‌شوند و دین را در آسمان می‌زنند و می‌گیرند. یک کمی که دل و جرعت داشته باشند توازن عقلی پیدا می‌کنند. اگر کسی میزان حرارتیش کار کند نمازش بی‌روح خواهد شد و روی او سیاه خواهد شد. کسی که با ترس گریه کند گریه‌ای او ارزشی ندارد.

**فواید نترسیدن**

یکی از فواید نترسیدن خلاقیت به دنبال نترسیدن خواهد بود. آدم خلاق باید شجاع باشد و هنگامی که علم به ذهن او می‌رسد با عقلی آزاد از مهار ترس می‌تواند آن علم را به کار گیرد. ترس‌های از فقر و ترس‌های موهوم دیگر او را نگیرد.

أَهْلَكَ النّاسَ إِثْنانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ وَ طَلَبُ الْفَخْرِ. (از چهل حدیث حضرت امیرالمؤمنین) دو چيز مردم را هلاك كرده: ترس از ندارى و فخرطلبى.

کسی که ترسیده مرده است و راه که می‌رود بگوید لا اله الا الله . پایش جنازه‌ی خودش را می‌برد.

بلا را بپذیریم تا ترس بریزد. باشه ؟؟؟ باشه!!!

نه نه من غریبم بازی در نیاورید.

قطعا برای شما مشکل پیش می‌آید. بیماری برای شما ایجاد می‌شود. سلامتی از دل مریضی بیرون می‌آید. از ترس که برون آیید ذهن آن‌ها لهیده و لورده است. روحیه‌ی آن‌ها پژمرده است.

بحث ترس مطلبی است که هر چه فکر می‌کنیم و تاریخ را مطالعه می کنمی و قرآنم می‌خوانیم و روی آن کار می‌کنیم باید به این رسیم که مهم است. درد جامعه باید باشد تا در مورد آ داد بزنیم. ترس را باید از بین برد.

**رابطه‌ی ترس و عجله**

باعجله از ترس به عنوان اولین راه حل استفاده می‌کنند. در صورتی ترس زود یک انرژی در دل انسان ایجاد می‌کند ولی در درازمدت انسان را فلج می‌کند. ترس آدم را زود راه می‌اندازد ولی قدرت حرکت او گرفته می‌شود. با ترس نمی‌توان برای اندیشه‌های عمیق انگیزه پیدا کرد. اگر از خدا ترسیدیم ترسمان از دیگران می‌ریزد؛ اگر از خدا بترسیم خدا دیگران را از ما می‌ترساند.

**ترس از دنیا یک ترس مذموم**

مَا سُلِّطَ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلا مَنْ خَافَهُ (حدیث1813 ، نهج افصاحه)

خدا بدش می‌آید که از غیر از او بترسی فقط او است که تو را ضرر نمی‌رساند و به تو آرامش می‌دهد. به هر کسی امید داشته باشیم خداوند ما را به او واگذار می‌کند. این‌چنین افرادی به دنبال در نیمه‌باز می‌گردند و می‌گویند خدا یک راهی به ما نشان بده ملائکه هم برای او وساطت می‌کند ولی خدا می‌فرماید که او الآن یک درب دیگری می‌یابد او "همه‌جایی" است بعد می‌گوید خدا من می‌روم بر می‌گردم.

از دیگر ریشه‌های ترس محبت و علاقه است: تا وقتی که حب الدنیا در دل ماست می‌ترسیم

عن رسول الله صلی الله علیه و آله أنَّهُ قالَ: مَن أحَبَّ الدُّنیا ذَهَبَ خَوْفُ الاخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ (بحارالانوار، ج6، ص38)

هر کس دنیا را دوست بدارد، ترس آخرت از دلش فرومی‌ریزد

خوف از دنیا برای انسان باقی می‌ماند. اگر آبرویت را دوست داشته باشی از آن می‌ترسیم در صورتی که آبرو هم دست خداست. او است که آبرو را حفظ می‌کند. اگر به خدا بپردازیم این‌ها به دنبال ما می‌افتند. نیازی به درخواست ما ندارند.

یکی از زشت‌ترین اثرات محبت به دنیا ترس است.

این دنیا نوکر و غلام ماست اگر به زور به دنبال آن بیافتی دنیا برای ما ناز می‌کند. خداوند خطاب به دنیا فرمود هر کی افتاد دنبال تو بگذار بیافته، بیافته، که بیافته و نمی‌خواهم ریخت او را ببینم.

می‌گویی بیا بریم روضه می‌گوید وقت ندارم آره جون همشیره ابویت.

روایت داریم کسی که به دنبال مجالس روضه نباشد خداوند سر او را شلوغ می‌کند. که خود او اقرار می‌کند که وقت ندارم. کسی که برای رفتن درب خونه ی اباعبدالله الحسین وقت می‌گذارد خداوند او را بیمار رفتن به هیئت می‌کند. خداوند برکتی به او می‌دهد که تعجب او را هم بر می‌انگیزد.

اگر جمع‌بندی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که باید از خدا بترسیم و دنبال دنیا نباشیم تا خود آن به سمت ما آید.

رزقتان سهمیه‌ی شماست برای چی دوستش دارید اگر او را مورد توجه قرار دهید از زایل شدن و کسب کردنش می‌ترسید. چرا دنیا را دوست می‌داریم در صورتی که فرقی نمی‌کند که او را دوست نداشته باشیم. اگر پول را لازم دارید نیازی به دوست داشتنش نیست. محبت به دنیا ترس از دنیا را به دل شما می‌ریزد.

اگر خدا را دوست داشته باشید هم از خدا می‌ترسید (این جواب اینکه چگونه خداوند را دوست داشته باشیم. اگر از انتها بترسی بانشاط می‌شود و لذت می‌بری

امام علی (ع) می‌فرمایند: و هم في ذلك خائفون ليس خوفهم خوف شك و لكنهم خافوا أن يكونوا مقصرين في محبتنا و طاعتنا (وسائل الشیعة، ج 11)

ترس آن‌ها ترس از شک نیست بلکه خوف آن‌ها از سر تقصیر در محبت و طاعت است.

ترس آن‌ها ترس شک نیست که نکند ما را تحویل نگیرد. و نکند و نکند و...

ترس از دنیا ذلیل می‌کند حب اهل‌بیت و ترس از خداترسی نمکی و لذت بخشی است.

و سلام علیکم و رحمة الله و برکات